

مسم جدایی طلبانه

روگانگیری مسافران قطار در پاکستان چه می دانیم؟

توانان آن در جذب سربازان جوان و تحصیل کرده است.

مالک سراج اکبر، پژوهشگر پاکستانی که تمرکز خود را در سال‌های اخیر بر روی فعالیت‌های BLA گذاشته در این باره می‌گوید: «جذب جنگجویان جوان و تحصیل کرده دیگر یک چالش نیست، زیرا این گروه علی‌رغم ماهیت بحث‌برانگیز عملیاتش، از محبوبیت قابل توجهی در میان جوانان بلوچ برخوردار است.»

او اضافه می‌کند که علی‌رغم مسئولیت این گروه در مرگ غیرنظامیان، از جمله شهروندان بلوچ و استفاده از بمب‌گذاران انتحاری زن، این تاکتیک‌ها انتقادهای محدودی را به همراه داشته است. او افزود: «در عوض، جذابیت آن در میان جوانان بلوچ در پاکستان افزایش یافته است، بسیاری از آنها معتقدند مبارزه مسلحانه تنها راه قابل قبول برای بقای مردمشان است.»

امتیاز بلوچ، پژوهشگر و سیاست‌دفعر چه خاطرات خراسان (TKD)، پلتفرمی که امنیت منطقه‌ای را دریایی می‌کند، معتقد است ارتش آزادی‌بخش بلوچستان توانسته است تا حدی به دلیل «بی‌کفایتی» دولت، همدردی مردم را جلب کند. او به الجزیره گفت: «سیاست‌های مستبدانه دولت، حکومت‌داری بد، فقدان پاسخگویی و موارد ناپدید شدن اجباری، به کاتالیزورهایی برای شبه‌نظامیان تبدیل شده است تا افراد بیشتری، از جمله افراد دارای تحصیلات عالی مانند کارشناسان حرفه‌ای فناوری اطلاعات، تحلیلگران داده و سایر متخصصان را جذب و تحت تأثیر قرار دهند و در نتیجه دامنه نفوذ و تأثیر رسانه‌های اجتماعی خود را گسترش دهند.»

ارتش آزادی‌بخش بلوچ چگونه عملیات خود را تأمین مالی می‌کند؟

در حالی که منابع مالی ارتش آزادی‌بخش بلوچستان نامشخص است، تحلیلگران جریان‌های درآمدی متعددی از جمله فعالیت‌های غیرقانونی مانند اخاذی، قاچاق و قاچاق مواد مخدر را به عنوان منبع اصلی درآمد این گروه معرفی می‌کنند.

دولت پاکستان ادعای کند که هند ارتش آزادی‌بخش بلوچستان را تأمین مالی می‌کند، اما پژوهشگران با اشاره به حضور رهبران این گروه در افغانستان می‌گویند احتمالاً این گروه خود نیز فعالیت‌هایی برای درآمدزایی دارد. وزارت امور خارجه پاکستان در روزهای اخیر ادعا کرد که هند و طالبان افغانستان در حملات شبه‌نظامیان بلوچ در این کشور، دست دارند. شفقت علی خان، سخنگوی وزارت خارجه پاکستان در یک نشست خبری با اشاره به حادثه قطار جعفر اکسپرس گفت: «شورشیان پشت این حمله با رهبران افغانستان در تماس هستند.» خان در این نشست گفت: «هند نیز در تروریسم پاکستان دست دارد.» در همین حال، شهپاز شریف با اشاره به آزادی تروریست‌های خارجی از زندان‌های افغانستان توسط طالبان در ۲۰۲۱، گفت: «تروریسم از پاکستان ریشه‌کن شده بود، اما با تسلط طالبان بر افغانستان، این زخم ناسور دوباره سرپاز کرده است.» قبلاً احمد شریف چودری، سخنگوی ارتش پاکستان نیز روز چهارشنبه در یک نشست خبری ادعا کرد که «گروگان‌گیری مسافران توسط جدایی‌طلبان بلوچ در افغانستان برنامه‌ریزی و هدایت شده است.»

راندیر جیسوال، سخنگوی وزارت خارجه هند در واکنش به این ادعای پاکستان گفت: «ما این ادعاهای پاکستان را با قاطعیت رد می‌کنیم، ما قویاً این اتهامات بی‌اساس را رد می‌کنیم. جهان می‌داند که کانون تروریسم جهانی کجاست، پاکستان باید به جای مقصر دانستن دیگران برای شکست‌های خود، روی مسائل داخلی خود تمرکز کند.» از سوی دیگر، حکومت طالبان در افغانستان نیز این ادعاهای پاکستان را که حمله به قطار در بلوچستان در افغانستان برنامه‌ریزی شده بود، رد کرد. عبدالقهار بلخی، سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان در افغانستان در واکنش به ادعای پاکستان در صفحه «ایکس» خود نوشت: «اعضای گروه‌های مسلح بلوچ در افغانستان حضور ندارند و ما نه در گذشته و نه در حال با آن‌ها ارتباطی نداشته‌ایم.» او نوشت: «تمام اتهامات پاکستان مبنی بر اینکه گروه‌های تروریستی در افغانستان علیه پاکستان برنامه‌ریزی می‌کنند، بی‌اساس است. دولت پاکستان به جای اتهام‌زنی و اظهارات غیرمسئولانه، باید بر امنیت و مشکلات داخلی خود تمرکز کند.» مالک سراج اکبر، پژوهشگر پاکستانی معتقد است: «با توجه به تمایل پاکستان به مقصر دانستن هند در تقریباً هر مسئله‌ای، پذیرش چنین ادعاهایی بدون شواهد محکم دشوار است. اگر دولت شواهد مشخصی از حمایت هند ارائه دهد، آنگاه اتهامات آن وزن پیدا می‌کند. با این حال، آنچه مشخص است این است که ارتش آزادی‌بخش بلوچ یک حامی مالی قوی دارد و جنگجویان آن آموزش‌های بسیار حرفه‌ای را به طور خاص برای شورش دریافت می‌کنند.» امتیاز بلوچ، پژوهشگر و سیاست‌دفعر چه خاطرات خراسان (TKD)، اما به الجزیره گفت که درآمد حاصل از معادن زغال‌سنگ عظیم در استان بلوچستان، منبع اصلی اقتصادی این گروه است. او افزود: «اگر به عملیات‌های اخیر این گروه نگاه

منابع امنیتی پاکستان اعلام کردند: تروریست‌های تجزیه‌طلب و حامیان آنان با اشاعه اخبار جعلی و تصاویر قدیمی در صدد تشویش اذهان عمومی هستند لذا از مردم خواسته می‌شود تا فریب اطلاعات گمراه‌کننده تروریست‌ها را نخورند. آنان افزودند که ربایش غیرنظامیان بی‌دفاع از جمله زنان و کودکان ثابت می‌کند که تروریست‌ها هیچ ارتباطی با اسلام، مردم بلوچستان و پاکستان ندارند

کنید، خواهید دید که موثرتر شده‌اند و توان بیشتری برای وارد کردن ضربه به نیروهای نظامی دارند. یک دلیل آن بحث قدرتمندتر شدن تسلیحات آن‌هاست. آن‌ها با درآمدهای قابل توجهی که دارند، از افغانستان تسلیحات آمریکایی تهیه می‌کنند و از آن تسلیحات برای عملیات بهره می‌گیرند.»

سیاسیون پاکستان نگران تشدید حملات تروریستی

میر سرفراز بگتی سرورزیر ایالت بلوچستان پاکستان حادثه قطار مسافری را حمله تروریست‌ها به امنیت ملی این کشور توصیف کرد. در عین حال برخی از سیاسیون پاکستان نیز نسبت به تشدید حملات تروریستی در ایالات بلوچستان و خیبرپختونخوا عمیقاً ابراز نگرانی کرده و معتقدند که اقدام شورشیان در حمله به قطار و به گروگان گرفتن غیرنظامیان بی‌دفاع یک شکست اطلاعاتی است. بر اساس گزارش ایرنا، عمر ایوب خان، رئیس اپوزیسیون در مجلس پاکستان از آنچه وی عملکرد ضعیف دستگاه‌های اطلاعاتی خواند، انتقاد کرد و خواستار پاسخگویی دولت و روستای سازمان‌های مجری قانون این کشور به جرایم افزایش حملات تروریستی و بی‌نتیجه بودن اقدامات نظامی شد. سردار لطیف، نماینده مجلس از حزب جنبش عدالت پاکستان (پی‌تی‌ای) نیز طی گفت‌وگویی با خبرنگاران در اسلام‌آباد استعفا‌ی وزیر دفاع، وزیر کشور و سرورزیر ایالت بلوچستان را مطالبه کرد. لیاقت بلوچ نایب امیر جماعت اسلامی پاکستان طی بیانیه‌ای نسبت به توطئه‌های خارجی از جمله در رأس آن آمریکا و اسرائیل علیه پاکستان ابراز نگرانی کرد و گفت: دولت باید رویکرد منطقی برای غلبه بر چالش‌های امنیتی در بلوچستان و رسیدگی به مسائل اقتصادی و اجتماعی مردم اتخاذ کند. او در ادامه خواستار تدوین راهبرد موثر در توسعه روابط پاکستان با جمهوری اسلامی ایران و افغانستان شد و افزود: تشدید حمله‌های آمریکا در منطقه گسترش بحران‌های امنیتی منجر شده است.

عطاالله تارر وزیر اطلاع‌رسانی پاکستان با انتقاد از رویکرد موضع‌گیری برخی از احزاب این کشور علیه ارتش و دستگاه‌های امنیتی خواستار همسویی و یکصدایی نیروهای سیاسی در وضعیت بحران در راستای تقویت روحیه نیروهای مسلح در مبارزه با تروریسم شد. سناتور علامه ناصر عباس جعفری نماینده مجلس سنا و رئیس حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان نیز در واکنش به تحولات بلوچستان خواستار همکاری دولت و احزاب سیاسی برای تدوین راهبرد مشترک علیه تروریسم شد. او همچنین از رویکرد دستگاه‌های اطلاعاتی پاکستان در برخورد با چالش‌های امنیتی و مداخله در امور سیاسی انتقاد کرد. همچنین بسیاری از کاربران شبکه اجتماعی ایکس در پاکستان حمله به قطار مسافری را رازنگ خطر جدی برای حاکمیت قانون و اعتبار دستگاه‌های امنیتی در ایالت بلوچستان توصیف کردند. برخی نیز خواستار استعفا‌ی سرورزیر ایالت بلوچستان و فرمانده سپاه این ایالت شدند.

منابع امنیتی پاکستان اعلام کردند: تروریست‌های تجزیه‌طلب و حامیان آنان با اشاعه اخبار جعلی و تصاویر قدیمی در صدد تشویش اذهان عمومی هستند لذا از مردم خواسته می‌شود تا فریب اطلاعات گمراه‌کننده تروریست‌ها را نخورند. آنان افزودند که ربایش غیرنظامیان بی‌دفاع از جمله زنان و کودکان ثابت می‌کند که تروریست‌ها هیچ ارتباطی با اسلام، مردم بلوچستان و پاکستان ندارند.

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در روزهای گذشته طی بیانیه‌ای با تأکید بر مقابله بر تروریسم، گروگانگیری در پاکستان را محکوم کرد. اسماعیل بغاتی با ابراز نگرانی شدید نسبت به گروگانگیری قطار مسافری در بلوچستان پاکستان و به خطر انداختن امنیت و جان شهروندان بیگناه، این اقدام تروریستی را محکوم کرد. سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاکستان نیز حمله عناصر تروریستی به قطار مسافری در ایالت بلوچستان و به گروگان گرفتن غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان را به شدت محکوم کرد.

نگاه نظریه پرداز

دولت یاغی و مخرب



استیون والت

استاد دانشگاه هاروارد

اندیشمندان و مفسران سیاسی نیز باید گاهی به پیش‌بینی‌های گذشته خود نگاهی بیندازند و اشتباهات خود را مرور کنند. تصور کنید چه اتفاقی می‌افتاد اگر تحلیلگران برجسته‌ای مثل «توماس فریدمن»، «جو اسکاربرو»، «ریچل مدمو»، «جانان گانش»، «فرید زکریا»، «گلن گرینوالد»، «یان برمر» و «آن ایلپام» هر ساله گزارشی درباره تحلیل‌ها و برداشت‌های نادرست سال گذشته خود ارائه می‌دادند. در نهایت، هیچ‌کس از اشتباه‌ها مصون نیست. حتی اگر به گفته «فیلیپ تالاک»، استاد علوم سیاسی در دانشگاه پنسیلوانیا اعتقاد داشته باشید، حتی کارشناسان برجسته نیز در پیش‌بینی آینده با مشکل روبرو می‌شوند. تأمل صادقانه درباره اشتباهات، هم برای فرد و هم برای عموم آموزنده است و زمینه‌ای فراهم می‌کند تا همه از آن اشتباهات درس بگیرند. زمان آن فرارسیده که بار دیگر نگاهی انتقادی به گذشته بیندازیم و خطاهای خود را بازنگری کنیم. برای نمونه، در ژانویه ۲۰۲۴ مطلبی نوشتم تحت عنوان «یک دوره دیگر ریاست جمهوری ترامپ، سیاست خارجی آمریکا را چندان تغییر نمی‌دهد.» حالا که به مارس ۲۰۲۵ رسیده‌ایم، این تیتیر دیگر کاملاً نامناسب به نظر می‌آید. بخشی از این موضوع به تیتیر جنجالی‌ای بازمی‌گردد که من خودم آن را نوشتم، با این حال، بعضی از نکاتی که آن زمان مطرح کرده بودم، درست بود: پیش‌بینی کرده بودم که ترامپ بر خورد سخت‌گیرانه‌ای با ناتو خواهد داشت (حتی شاید از آن خارج شود) و برای دستیابی به یک توافق صلح در اوکراین تلاش خواهد کرد. عقیده داشتم که حتی اگر یک دوره دوم ریاست جمهوری بایلدن-هریس هم رقم می‌خورد، دولت آنها احتمالاً به دنبال یک توافق صلح، گرچه به شکلی حساب‌شده و مسئولانه‌تر می‌فت. همچنان باور دارم که کاملاً هریس، معاون رئیس‌جمهور سابق در صورت انتخاب شدن، دقیقاً همین رویکرد را در پیش می‌گرفت. تصور این بود که سیاست ترامپ در خاورمیانه، تفاوت‌چندانی با سیاست بایلدن نخواهد داشت. تا اینجا نیز این پیش‌بینی درست بوده است. همچون بایلدن، ترامپ نیز اجازه می‌دهد اسرائیل به هر اقدامی که می‌خواهد دست بزند؛ با این تفاوت که ترامپ حتی تظاهر به بی‌طرفی نمی‌کند و آشکاراً پاک‌سازی قومی را تأیید می‌کند. در حوزه سیاست در قبال چین نیز ترامپ تقریباً مشابه بایلدن عمل کرده است. ترامپ رویکرد سختگیرانه‌ای در برابر یکن داشته؛ چیزی که احتمالاً کاملاً هریس هم در همان مسیر گام برمی‌داشت. البته ممکن است ترامپ در نهایت به سمت توافقی بزرگ با یکن حرکت کرده و تایوان را قربانی کند، اما تاکنون نشانه‌ای از این اقدام دیده نشده است. بنابراین اگر تیتیر را کنار بگذاریم و متن مقاله را در نظر بگیریم، شاید آن چنان هم غیرمنطقی به نظر نرسد. با این حال، نمی‌توان انکار کرد که در برخی موارد اشتباه کرده‌ام. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهاتم، دست‌کم گرفتن عمق دشمنی ترامپ با اصلی‌ترین همپیمانان دموکراتیک آمریکا بود. هر چند واضح بود که ترامپ مانند دیگر رؤسای جمهور اخیر، بر این باور است که شرکای ناتو بیش از حد به حمایت ایالات متحده وابسته‌اند، اما اکنون آشکار شده که او نه تنها از این وابستگی نراضی است، بلکه به‌طور فعال با اصول دموکراتیک این کشورها نیز مخالف است و علناً از نیروهای غیرلیبرال در داخل آن کشورها حمایت می‌کند. همان‌طور که چند هفته پیش اشاره کردم، حمایت آشکار دولت ترامپ از جناح راست افراطی اروپا، بخشی از تلاشی گسترده‌تر برای ترویج نوعی تغییر رژیم در سراسر اروپا است. به بیان دیگر، هدف این تلاش‌ها چیزی جز «مگا کردن» اروپا و تضعیف اتحادیه اروپا به‌عنوان یک نهاد سیاسی معنادار نیست، می‌دانستم که ترامپ به رهبرانی مثل «ویکتور اوربان»، نخست‌وزیر مجارستان گرایش دارد و می‌دانستم که شخصیت‌هایی مانند «استیو بنن» در تلاش هستند انتلافی فراملی از جنبش‌های راست افراطی تشکیل دهند اما باید اعتراف کنم که شدت و تأثیر این نیروها را جدی نگرفتم. دومین اشتباه من در پیش‌بینی، مربوط به نحوه برخورد ترامپ با اوکراین بود. گرچه همه شواهد نشان می‌داد که او در نهایت حمایت آمریکا از اوکراین را کاهش می‌دهد، هرگز انتظار نداشتم که با این شورش و اشتیاق، روایت‌های پوتین را بپذیرد، اوکراین را آغازگر جنگ معرفی کند یا رئیس‌جمهور زلنسکی را علناً زیر سؤال ببرد. ممکن است دلایل راهبردی پشت این اقدامات ترامپ باشد. برای مثال، شاید معتقد است تنها راه پایان دادن به جنگ و جدا کردن روسیه از چین، دادن تمام خواسته‌های پوتین است؛ اما این به معنای موفقیت‌آمیز بودن این رویکرد نیست. سوم، من شدت تمایل ترامپ به دنبال کردن سیاست‌های اقتصادی غیرمتعارف را دست‌کم گرفته بودم. هر چند انتظار داشتم او از تهدید تعرفه‌ها به‌عنوان یک ابزار چانه‌زنی استفاده کند، تصور این بود که او (با مشاورانش) متوجه خواهند بود که آغاز یک جنگ تجاری می‌تواند به اقتصاد آمریکا آسیب جدی وارد کند و در نهایت برنامه سیاسی او را به خطر بیندازد. سرانجام اگر چه بی‌توجهی ترامپ به قوانین و هنجارهای پیش از نخستین کمپین ریاست جمهوری او کاملاً مشهود بود، اما شدت تمایل او به زیر پا گذاشتن اصول بنیادینی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند، مرا شگفت‌زده کرد.

